

A Comparative Study Investigate of Narrative Techniques in childish poetry on Propp's Narrative Theory (example in My Village Naeirieh by Soleyman Isa and The Clock without Tik Tak by Mehdi Moradi based)

Rasoul Balavi^۱, Mahtab dehghan^۲, Naser jaberi^۳

^۱ Professor of Arabic Language and Literature, shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. (Corresponding author) r.balavi@scu.ac.ir

^۲ MSc, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. r.ballawy@pgu.ac.ir

^۳ PhD, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. jaberinaser@gmail.com



Abstract

Narratology is one of the new fields attentioned by literature criticizers and researchers in recent decades. Veladimir Propp, the Russian theorist, as one of the most important narratology theorist has presented his narrative patterns with publishing his famous book, Morphology of the Folktale, in ۱۹۲۸. Soleyman Isa and Mehdi Moradi, Syrian and Iranian contemporary poets, in their books, My Village Naeirieh and The Clock without Tik Tak, are employed some narrative techniques effectively. This study aims to investigate comparstively the use narrative techniques in previously mentionening books. This article attempts to consider the narrarive twchniques in mentioned books with regard to Propp's narratology theory based upon a descriptive-analytic method. The study also takes a brief look to the biography of poets and then provide some materials rekated to narration and Propp's narratolgy theory. Study shows that the poets are familiar with the persepction of their addressees and know how to dedicate narrative techniques to poetry, because of their ability to poetry writing.

Keywords: Narratology, Propp, Soleyman Isa, Mehdi Moradi, narrative poetry.



Date Received: ۱۴۰۰-۰۹-۱۶ Revision date: ۱۴۰۰-۱۰-۲۷- Date of admission: ۱۴۰۰-۱۱-۱۴ Online publication date: ۱۴۰۴-۰۶-۲۹

Citation of this article: balavi, rasoul; dehghan, mahtab; jaberi, naser (۱۴۰۴). A Comparative Study Investigate of Narrative Techniques in childish poetry on Propp's Narrative Theory. Research in Arabic language and literature education, ۷(۲), pp. ۱۵۹-۱۷۰. 

Publisher: Farhangian University

© the authors

[http:// https://amozesharabi.cfu.ac.ir](http://https://amozesharabi.cfu.ac.ir)

Article type: Research Article



تحليل مقارن للعناصر السردية في شعر الأطفال استناداً إلى نموذج بروب (دراسة حالة مجموعتين شعريتين: "قريتي النعيرية" لسليمان عيسى و"الساعة بلا تكتكة" لمهدي مرادي)

رسول بلاوي^١، مهتاب دهقان^٢، سيد ناصر جابري اردكاني^٣

^١أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة شهيد تشمران أهواز، أهواز، إيران. (الكتب المسنول) r.balavi@scu.ac.ir

^٢ماجستير، جامعة الخليج الفارسي، بوشهر، إيران. r.balawi@yahoo.com

^٣دكتوراه، جامعة الخليج الفارسي، بوشهر، إيران. jaberinaser@gmail.com



الملخص

السرد وعلم السرد من العلوم الناشئة التي جذبت اهتمام الباحثين والنقاد الأدبيين في العقود القليلة الماضية. ومن أهم منظري هذا العلم الباحث الروسي فلاديمير بروب، الذي طرح نموذج في علم السرد عام ١٩٢٨ مع نشر مجموعته "مورفولوجيا الحكايات الخرافية". وقد أجاد الشاعر السوري المعاصر سليمان عيسى والشاعر الإيراني المعاصر مهدي مرادي توظيف تقنيات السرد في أعمالهما للأطفال. ومن بين أعمال هذين الشاعرين مجموعتا "قريتي النعيرية" و"الساعة التي لا تتق"، اللتان بُحث فيهما استخدام تقنيات السرد بطريقة مقارنة. في هذه الدراسة، ويهدف استكشاف أوجه التشابه والاختلاف في أسلوب السرد لدى الشاعرين، وبالأعتماد على نموذج بروب السرد، وبعد عرض بعض المواد المتعلقة بالسرد ونموذج بروب السرد، ونظرة سريعة على حياتهما، قمنا بفحص تقنيات السرد في الديوانين المذكورين باستخدام المنهج الوصفي التحليلي. أظهرت النتائج أن الشاعرين على دراية تامة بمستوى فهم الجمهور واستقباله، وبراعتها في تأليف شعر السرد للأطفال، فقد وضعوا السرد في متناول الشعر بدلاً من وضع الشعر في متناول السرد.

الكلمات المفتاحية: السرد، بروب، سليمان عيسى، مهدي مرادي، الشعر السرد.



واکاوی تطبیقی عناصر روایت در شعر کودکان بر اساس الگوی پراپ (مطالعه موردی دو مجموعه «روستای من نعیریه» سلیمان عیسی و «ساعت بدون تیک تاک» مهدی مرادی)

رسول بلاوی^۱، مهتاب دهقان^۲، سید ناصر جابری اردکانی^۳

^۱ استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول) r.balavi@scu.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. r.balawi@yahoo.com

^۳ دکترای تخصصی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. jaberinaser@gmail.com



چکیده

روایت و روایت‌شناسی از علوم نوپایی به شمار می‌آید که در چند دهه اخیر مورد توجه محققان و ناقدان حوزه ادبیات قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این علم، محقق روسی، ولادیمیر پراپ است که الگوی روایت‌شناسی‌اش را در سال ۱۹۲۸ م با انتشار مجموعه ریخت‌شناسی قصه‌های پریان مطرح ساخت. سلیمان عیسی شاعر معاصر سوری و مهدی مرادی شاعر معاصر ایرانی، در آثار کودکانه خود به‌خوبی از شگردهای روایت بهره گرفته‌اند. دو مجموعه «روستای من نعیریه» و «ساعت بدون تیک تاک» از جمله آثار این دو شاعر است که کاربرد شگردهای روایت، به‌صورت تطبیقی در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش باهدف بررسی و کشف اشتراکات و تفاوت‌های شیوه روایتگری دو شاعر و با تکیه بر الگوی روایت‌شناسی پراپ، پس از ارائه مطالبی در زمینه روایت و الگوی روایت‌شناسی پراپ و گریزی کوتاه به زندگی دو شاعر، به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی شگردهای روایت در دو مجموعه مذکور پرداخته‌ایم. یافته‌ها نشان می‌دهد دو شاعر به‌خوبی با میزان درک و دریافت مخاطب آشنایی دارند و با مهارتی که در سرودن شعر روایی کودک دارند، بیش از آنکه شعر را در اختیار روایت قرار دهند، روایت را در اختیار شعر قرار داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: روایت‌شناسی، پراپ، سلیمان عیسی، مهدی مرادی، شعر روایی.



۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین توانایی‌های ذهن بشر از دیرباز تاکنون داستان‌پردازی، قصه‌پردازی و به‌گونه‌ای روایت رویدادهای روزمره بوده و هست؛ تا جایی که حتی می‌توان برخورد لحظه‌ای سنگ‌ریزه‌ای به یک پنجره را نیز روایت کرد و آن را یک روایت دانست. روایت‌ها بیش از آنچه به ذهن می‌رسد در زندگی ما جریان دارند و حامل وقایعی هستند که غالباً بر زبان شخصی که راوی خوانده می‌شود جاری است. «روایت در ساده‌ترین بیان، فرآیندی است که طی آن نویسنده و یا یکی از شخصیت‌ها، داستان را از راوی به خواننده منتقل می‌کند» (عبدی، ۱۳۹۳: ۹۱). این شاخه از نقد ادبی تا جایی پیش رفته است که به‌صورت یک علم درآمده و ادیبان و ناقدان بسیاری به بررسی و پژوهش درباره آن پرداخته‌اند. نخستین بار محقق فرمالیست روسی، ولادیمیر پراپ نظریه روایت را در اثر ارزشمندش *ریخت‌شناسی قصه پریان* به کار گرفت. او که پیشگام نظریه روایت به شمار می‌آید، هرچند نظریه‌اش با قدری تأخیر به دست پژوهشگران این عرصه رسید اما به‌سرعت مورد استقبال آنان قرار گرفت. پراپ روایت را در کتابش این‌گونه تعریف می‌کند: «متنی که تغییر وضعیت را از حالت پایدار به حالت ناپایدار و دوباره بازگشت آن را به حالت اولیه نشان می‌دهد» (پراپ، ۱۳۶۸: ۴۳). وی در الگوی روایت‌شناسی‌اش با در نظر گرفتن سی‌ویک کارکرد یا خویشکاری برای هفت نوع شخصیت مختلف، شناخت ساختار قصه‌های فولکلوریک را موضوع اصلی کار خود قرار می‌دهد (احمدی، ۱۳۷۰: ۱۴۴)؛ کارکردهایی که علاوه بر داستان، می‌توان آن‌ها را در قالب شعر نیز مورد بررسی قرار داد.

در ادبیات ملل مختلف، آثار روایی فراوانی، چه در قالب شعر و چه در قالب داستان، به چشم می‌خورد که بیانگر میل همیشگی طبع آزمایان عرصه ادبیات به این نوع شیوه نگارش است. در ادبیات معاصر عربی و فارسی نیز بسیاری از شاعران و نویسندگان، از شیوه روایتگری در آثار خود بهره برده‌اند. در میان شاعران جهان عرب، سلیمان عیسی، شاعر معاصر سوری از جمله شاعرانی است که به شعر روایی، به‌ویژه شعر روایی کودکانه، توجه ویژه نشان داده است. وی در مجموعه‌های شعری‌اش بیش از هر موضوع دیگری به شعر کودک و نوجوان پرداخته و به‌نوعی به اهمیت آن در رشد و تعالی نسل جدیدی که قهرمانان آینده جهان عرب خواهند بود، پی برده است. وی برای رسیدن به اهداف متعالی‌اش که می‌تواند نمایاندن چهره نیکوی انسانیت و حذف و طرد ظلم و ستم و جنگ از سراسر جهان باشد، از شیوه روایتگری استفاده نموده که یکی از بهترین شیوه‌های انتقال مفاهیم به ذهن کودک است. در ادبیات فارسی نیز چهره‌های فراوانی در زمینه شعر کودک و نوجوان طبع آزمایی کرده‌اند که شاعر جوان خطه خوزستان، مهدی مرادی، یکی از آن‌هاست. وی در آثارش همچون سلیمان عیسی، به‌خوبی از تکنیک‌های روایت بهره برده است و تکنیک‌هایی را که غالباً در نثر و داستان می‌توان مشاهده کرد، در شعر گنجانده است.

در پژوهش پیش‌رو ابتدا با ارائه تعاریف گوناگون روایت و نظریه‌های آن، گریزی کوتاه نیز به زندگینامه دو شاعر خواهیم داشت. سپس به تحلیل روایت‌شناختی دو مجموعه *روستای من* *نعیریه* و *ساعت بدون تیک‌تاک* خواهیم پرداخت و با تکیه بر الگوی روایت‌شناسی پراپ، تلاش خواهیم کرد مقایسه‌ای تطبیقی از شیوه روایت‌گری دو شاعر در دو مجموعه مورد نظر ارائه دهیم. موضوعی که می‌تواند مورد پسند و استفاده علاقه‌مندان حوزه ادبیات تطبیقی و نقد روایی ادبیات کودک و نوجوان قرار گیرد. با توجه به اینکه هر شاعر و نویسنده‌ای شیوه خاص خود را در نگارش آثارش اتخاذ می‌کند، عیسی و مرادی نیز از شیوه روایتگری استفاده کرده‌اند که ما در این نوشتار در پی بررسی چگونگی آن هستیم. هدف ما در این نوشتار، علاوه بر مقایسه تطبیقی شگردهای روایت در این دو مجموعه، بررسی و کشف اشتراکات و تفاوت‌های شیوه روایتگری دو شاعر خواهد

بود.

پرسش‌های تحقیق

- بر اساس آنچه گفته شد، در این پژوهش درصددیم به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:
- گذشته از ویژگی‌های محتوایی، این دو اثر از نظر ویژگی‌های روایی چه اهمیتی دارند؟
 - درون‌مایه‌های مورد نظر شاعران دو اثر کدام‌اند؟
 - و مهم‌تر از همه:
 - دو شاعر تا چه حد در گنجاندن تکنیک‌های روایت در شعر موفق بوده‌اند؟

پیشینه تحقیق

در ادبیات فارسی و عربی و در دایره نقد ادبی، روایت‌شناسی و نقد روایی از علوم نوپای این حوزه به شمار می‌آیند. بااین حال، در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در این زمینه صورت گرفته است؛ و نویسندگان بسیاری به ترجمه و تألیف مقالات و کتب متعدد پرداخته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب «درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی» نوشته فتح‌الله بی نیاز (۱۳۸۷ ش)، اشاره کرد که در بخش نخست کتابش به مباحث مربوط به داستان‌نویسی پرداخته و در بخش دوم، روایت‌شناسی را مورد بحث و تحلیل قرار داده است. در فصل‌های پس‌از آن نیز به بررسی روایت‌های مدرن و پست‌مدرن پرداخته است. علی‌رضا ترکان (۱۳۹۴ ش) در کتابی با عنوان «روش‌شناسی تحلیل روایت» با ارائه تعاریف متعدد روایت از منظر روایت‌شناسان، روایت را در ارتباط با موضوعات مختلفی چون پزشکی، جامعه‌شناسی، فلسفه، تصویر و... مورد بررسی قرار داده و پس‌از آن به روش‌شناسی انجام پژوهش تحلیل روایت پرداخته است. در ادبیات عربی نیز تألیف‌های گوناگونی در این زمینه صورت گرفته که از آن میان می‌توان به «نظریه رمان (پژوهشی در تکنیک‌های روایت)» نوشته عبدالملک مرتاض (۱۹۹۸ م) اشاره کرد که در آن به بررسی رمان و ساختار روایت در رمان معاصر عربی و سپس به بررسی انواع و اشکال روایت و مسائلی از این قبیل پرداخته است. عبدالناصر هلال (۲۰۰۶ م) در کتابی با عنوان «ابزارهای روایت در شعر عربی معاصر» به بررسی راوی و انواع آن، روایت و گونه‌های مختلف روایت و مهم‌ترین عناصر آن پرداخته است.

در میان پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه شعر روایی و روایت‌شناسی بر اساس الگوی پراپ، می‌توان به «شگردهای روایت در شعرهای روایی مهدی اخوان ثالث» نوشته شادروی منش و راوکی (۱۳۹۱ ش) اشاره کرد که در آن با بررسی اشعار روایی اخوان و تحلیل عناصر روایت در اشعار وی به این نتیجه رسیده‌اند که کاربست شیوه روایتگری هرگز به جوهر شعر او لطمه نزده و بیش از آنکه شعر در خدمت عناصر داستان باشد، عناصر داستانی و روایی به خدمت شعر درآمده‌اند. رحیمی (۱۳۹۳ ش) در پژوهشی با عنوان «ریخت‌شناسی داستان لیلی و مجنون جامی بر اساس نظریه پراپ» با استفاده از الگوی ریخت‌شناسی پراپ، به شناسایی نقش‌ها و نقش ویژه‌های داستان لیلی و مجنون جامی پرداخته است؛ سپس با بررسی توالی کارکردها در این مجموعه به این نتیجه رسیده است که توالی کارکردها محدود بوده و این داستان شامل یازده نقش و هفت نقش ویژه است؛ اما درباره شعر سلیمان عیسی و مهدی مرادی تاکنون پژوهش قابل توجهی صورت نگرفته است. «ترکیب موسیقایی در شعر سلیمان عیسی (دیوان الجزایر به عنوان نمونه)» عنوان رساله‌ای است که در دانشگاه /حاج/خضر در الجزایر به قلم بوعلی مسعود (۲۰۱۲ م) به چاپ رسیده است. وی در این رساله به بررسی ساختار موسیقایی شعر عیسی در آثار غیر کودکانه وی پرداخته است. محمدی و اسمعیلی پور (۱۳۹۳ ش) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی روایت و عناصر داستانی در مجموعه کلاغ سه‌شنبه اثر مهدی مرادی» با برشمردن ویژگی‌های روایی اشعار مرادی و تحلیل آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که وی توانسته است با توجه به ویژگی‌های روانی نوجوان در انتخاب موضوع و درون‌مایه و با استفاده از تکنیک‌های رایج روایت، نوع ادبی شعر را به داستان نزدیک کند؛ اما آنچه ما در این مقاله بدان خواهیم پرداخت، بررسی تطبیقی اشعار دو شاعر از منظر نقد روایی و بر اساس الگوی

روایت‌شناسی ولادیمیر پراپ است؛ موضوعی که تاکنون نویسندگان و پژوهشگران به‌طور ویژه و مستقل بدان نپرداخته‌اند.

۲. روایت و الگوی روایت‌شناسی پراپ

چنان‌که گفته شد، در دایره نقد ادبی، روایت‌شناسی از علوم نوظهور به‌شمار می‌آید و الهام گرفته از نظریات ساختارگرایان روس است. اصطلاح روایت‌شناسی، نخستین بار توسط تزوتان تودوروف در سال ۱۹۶۹ میلادی در کتاب **دستور زبان دکامرون** مطرح و بعدها علاوه بر حوزه ادبیات، در زمینه‌های تاریخی، مذهبی، روزنامه‌نگاری، سیاسی و... نیز به کار گرفته شد (مانفرد، ۲۰۱۱: ۵۱). برای روایت و روایت‌شناسی تعاریف متعددی ذکر شده است. در فرهنگ *اصطلاحات ادبی سیما* داده آمده است: روایت اصطلاحی عام است که برای هرآنچه قصه، داستان یا حکایتی را نقل می‌کند بکار می‌رود. در زبان انگلیسی نیز اصطلاح narrative به هر قسم روایتی که دارای حادثه، شخصیت و نقل گفتار و اعمال شخصیت‌ها باشد، خواه نظم یا نثر اطلاق می‌شود. بنا به این تعریف، روایت، طیف گسترده‌ای است که از یکسو انواع داستان‌ها و قصه‌های قدیمی را مثل حماسه و عشق‌نامه در بر می‌گیرد و از سوی دیگر انواع جدید ادبیات داستانی نظیر رمان (داد، ۱۳۹۲: ۲۵۳). و در تعریف روایت‌شناسی آمده است: «شعبه‌ای از رویکرد علمی نسبتاً نوینی که دغدغه اصلی آن شناسایی عناصر ساختاری و حالت‌های مختلف ترکیب این عناصر در روایت، شگردهای مکرر روایت و تحلیل انواع گفتمان در روایت است» (همان: ۲۵۴). روایت در ساده‌ترین تعریف، داستان و ماجرای است که در زمان و مکان مشخصی اتفاق می‌افتد و شخصی به‌عنوان راوی آن را به خواننده یا شنونده منتقل می‌کند.

اما اصلی‌ترین و مهم‌ترین پیشینه روایت‌شناسی ساختارگرا، **ریخت‌شناسی قصه پریان**، اثر ارزشمند ولادیمیر پراپ (۱۸۹۵-۱۹۷۰ م) است. کسی که «نخستین پژوهش نظام‌مند در بررسی روایت، با مطالعه صد روایت روسی از قصه‌های پریان، توسط او انجام شده است» (بهمنی، ۱۳۹۰: ۵۶). وی در این کتاب با معرفی الگوی روایت‌شناسی‌اش و ارائه طرحی فراگیر، سی‌ویک کارکرد، نقش‌ویژه یا خویشکاری عنوان می‌کند؛ نقش‌ویژه‌هایی که با بررسی قصه‌های فولکلوریک روسی بدان پی برده است. خویشکاری، نقش‌ویژه، عملکرد یا کارکرد در الگوی روایت‌شناسی پراپ، عمل شخصیتی از اشخاص قصه است که از نظر اهمیتی که در جریان قصه دارد، تعریف می‌شود. عملکردها در الگوی پراپ به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند که شمار عملکردهای اصلی ۳۱ است و عملکردهای فرعی از آن‌ها منشعب می‌شوند. او معتقد است با اینکه کنش و حرفه شخصیت‌ها در قصه‌ها تغییر می‌کند اما کارکرد آن‌ها همواره در میان همان سی‌ویک مورد باقی می‌ماند و فراتر نمی‌رود. سپس با بررسی این کارکردها، شخصیت‌های قصه‌ها را به هفت دسته تقسیم می‌کند: ۱. شخص خبیث (شرور) ۲. بخشنده (عطا کننده) ۳. یاریگر یا مدد رسان (دوستان و یاران قهرمان) ۴. شاهدخت و پدرش (شخص مورد جست‌وجو) ۵. پیام‌رسان (فرستنده که قهرمان را به مأموریتی می‌فرستد) ۶. قهرمان (جوینده یا قربانی) ۷. قهرمان دروغین (پراپ، ۱۹۹۶: ۹۷ و ۹۸). او با بررسی قصه‌ها براساس ویژگی‌های ساختاری و نه بر اساس موضوع، عناصر ثابت و متغیر برای آن‌ها در نظر می‌گیرد و به بررسی عناصری نظیر قهرمان، اعمال قهرمان، زمان، مکان و... می‌پردازد.

پس از پراپ بسیاری از نظریه‌پردازان روایت و ساختارگرایان از الگوی روایت‌شناسی وی برای پیشبرد نظریات‌شان سود جستند. نظریه‌پردازانی نظیر کلود برمون، رولان بارت، آژ. گرماس و ژرار ژنت از جمله افرادی هستند که پژوهش‌های آنان در زمینه روایت‌شناسی و تحلیل ساختاری، بیان‌گر تأثیرپذیری ایشان از الگوی پراپ است. رومن یاکوبسن، زبان‌شناس و نظریه‌پرداز روسی، با تأکید بر اهمیت کار پراپ، معتقد است «روایت‌شناسی به معنای دقیق واژه، با کتاب پراپ آغاز شده است» (احمدی، ۱۳۷۰: ۱۴۷). بنابراین نگاهی گذرا به آثار این افراد که البته در این‌جا فرصت بررسی آن فراهم نیست، نه تنها اهمیت و اعتبار کار پراپ در پیشبرد نظریه‌های تحلیل ساختار را آشکار خواهد ساخت، بلکه کمک خواهد کرد تا بتوانیم تحلیل دقیق‌تری از

به کارگیری تکنیک‌های روایت در شعر عیسی و مرادی به دست دهیم.

۳. سلیمان عیسی

سلیمان عیسی، شاعر معاصر سوری، سال ۱۹۲۱ میلادی در روستای نعیریه از توابع انطاکیه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در انطاکیه و تحصیلات متوسطه را در حما، لاذقیه و دمشق گذراند. حدوداً ده ساله بود که سرودن شعر را آغاز کرد و در اولین مجموعه شعری‌اش که آن را در روستایش «نعیریه» سروده بود، از مشکلات کشاورزان و نگرانی‌های آنان سخن گفت (العیسی، ۲۰۱۳ م: ۱۷۹). از همان ابتدا با سرودن اشعار ملی‌گرایانه و استقلال‌طلبانه‌اش به مبارزه با استعمار فرانسه پرداخت. به دانشکده تربیت معلم بغداد رفت و پس از فارغ‌التحصیلی به عنوان معلم در مدارس حلب مشغول به کار شد. پس از شکست ژوئن ۱۹۶۷ م (نکسه حزیران)* به نوشتن شعر کودک روی آورد. سرانجام شاعر کودکان سوریه در سال ۲۰۱۳ م پس از تحمل یک دوره بیماری، در سن ۹۲ سالگی در دمشق سوریه درگذشت. وی در یکی از مصاحبه‌هایش درباره ورود خود به جهان ذهنی کودکان می‌گوید:

بعد از آن روز (شکست اعراب از اسرائیل) عرب از کابوس خود بیدار شد و از آن بلای نفسگیر رهایی یافت. من به کودکان عرب نگریستم. در چشمان آنها فردا و آینده امت عربی را دیدم و از خود پرسیدم آیا شایسته نیست که به‌سوی آنان بروم و از آنان بنویسم؟ (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۲ ش: بخش فرهنگی).

چنان‌که ملکه/بیض همسر سلیمان عیسی درباره او می‌نویسد، شعر وی پس از شکست ژوئن ۱۹۶۷ م به‌طور قابل توجهی تغییر یافت. از جمله اولین سروده‌های وی پس از این دوره، قصیده «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها (أحکي لكم طفولتي يا صغار)» و داستان «وائل در جستجوی وطن بزرگش (وائل يبحث عن وطنه الكبير)» بود. این دو اثر که در مجموعه شعر و نثر وی *روستای من نعیریه* آمده است، حاوی اتفاقات و ماجراهایی است که خود شاعر در دوران کودکی‌اش از سر گذرانده است. به‌طور کلی مجموعه مذکور بازتاب زندگی شخصی شاعر است. این مجموعه شامل ۱۵ قصیده و ۱۴ داستان کوتاه است که در ادامه این پژوهش به بررسی اشعار آن از منظر نقد روایی خواهیم پرداخت.

۴. مهدی مرادی

مهدی مرادی، شاعر معاصر ایرانی است که اسفندماه سال ۱۳۵۶ هجری خورشیدی در اهواز به دنیا آمد. از وی تاکنون مجموعه‌های *بعضی از ما، رستن با ریشه‌های قالی و پوست دیگر نمی‌تواند مخفی‌ام کند* برای بزرگسالان و مجموعه‌های *کلاغ سه‌شنبه، آوازهای سیب‌زمینی و ساعت بدون تیک‌تاک* برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان منتشر شده است. مجموعه *کلاغ سه‌شنبه* وی در سال ۱۳۸۷ توانست برگزیده بیست و پنجمین دوره کتاب سال شود و نیز جایزه‌ی نخستین دوره گام اول و جایزه کتاب سال مجله‌های *سلام بچه‌ها* و *پوپک* را به دست بیاورد. از میان این آثار، مجموعه *ساعت بدون تیک‌تاک* از منظر نقد روایی در این مقاله مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. این اثر که برای گروه سنی «ج» (پایان دوران کودکی و ورود به دوره نوجوانی) نوشته شده است، شامل ۱۶ شعر در قالب‌های مثنوی، چهارپاره، نیمایی و... است و عنوان دومین مجموعه شعری مهدی مرادی در شاخه ادبیات کودک و نوجوان است. *ساعت بدون تیک‌تاک* در سال ۱۳۹۰ ش به چاپ رسید و به‌عنوان اثر شایسته تقدیر هفدهمین دوره جشنواره کتاب فصل معرفی شد.

آنچه در ادامه، در دو دفتر شعری *ساعت بدون تیک‌تاک* و *روستای من نعیریه* مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، مجموعه‌ای از مهم‌ترین تکنیک‌های روایت نظیر درون‌مایه، شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی، گفت‌وگو و سایر تکنیک‌ها با تکیه بر الگوی روایت‌شناسی پراپ و دسته‌بندی شخصیت‌ها و خویشکاری‌های مورد نظر او است که بررسی و مقایسه آن‌ها با هم با ارائه

شاهد مثال‌های مناسب، می‌تواند تصویر روشن‌تری از آثار این دو شاعر و گرایش‌های آن‌ها در اختیار خواننده قرار دهد.

۵. درون‌مایه^۱ و مضمون

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ارکان شعر و داستان، درون‌مایه^۱ آن است که در میان عناصر داستان، از اهمیت بسزایی برخوردار است. «درون‌مایه را به‌عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند، به همین دلیل، درون‌مایه اثر، جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد» (طاهری، ۱۳۹۴ ش: ۱۲۸ به نقل از منفلوپی، ۱۹۹۱ م: ۱۷۴).

اشعار کودکان معمولاً درون‌مایه‌های علمی، آموزشی، اخلاقی، تربیتی و تخیلات کودکان دارند. درون‌مایه اشعار و داستان‌ها از جامعه‌ای به جامعه دیگر و با توجه به شرایط آن جامعه و فکر غالب نویسندگان و شاعران آن جامعه می‌تواند متفاوت باشد. سلیمان عیسی غالباً درون‌مایه اشعار کودکان‌اش را از روزگار کودکی خویش وام می‌گیرد. موضوعی که با نگاهی به عناوین قصاید وی در دفتر شعری‌اش *روستای من* *نعیریه* به‌روشنی دیده می‌شود. «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها»، «کودکی من»، «خطاطی و خاطرات کودکی»، «کودکی‌ام بر کرانه رودخانه» و «مرگ دوست دوران کودکی» از جمله این عناوین هستند؛ اما اصلی‌ترین موضوعی که سلیمان عیسی در شعر کودکان‌اش بدان می‌پردازد، حماسه و مقاومت است. وی با توجه به وضعیت پیش آمده در سرزمین‌های عربی، در تلاش است با اشعاری حماسی، روحیه مقاومت را در میان کودکان سرزمینش ایجاد کند. او در آغاز سرود «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها»، پس‌ازآنکه با دوستان کوچکش *یاد و فراس* گفت‌وگو می‌کند، رودخانه *عاصی* را یادآور می‌شود و سرزمینش سوریه را سرزمین وحدت و آزادگی معرفی می‌کند: رودخانه *عاصی*/ این کودک زیبای رهرو/ در سوریه/ سرزمین وحدت و آزادی/ آبیاری می‌کند و روان به سوی شمال است/ در راه، کودکان را می‌شناسد (العیسی، ۲۰۱۲ م: ۳۴).

رود نماد جنبش و حرکت است. عیسی از آنجاکه مخاطبان شعرش کودکان هستند، رود *عاصی* را کودک معرفی می‌کند تا مخاطب راحت‌تر با آن ارتباط برقرار کند. کودکی زیبا که همواره در تلاش و تکاپو است. منزلگاه این کودک سرزمینی آزاد است و واحد که در آن به حرکت درآمده و با بقیه کودکان آشنا می‌شود. آزادی و آزادگی که یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های مورد نظر عیسی است، در این شعر به سرزمین نسبت داده شده؛ در نگاه دقیق‌تر مسئله‌ای که به یک سرزمین نسبت داده می‌شود، اغلب از ویژگی‌های مردمان آن سرزمین است، یا برای رسیدن به آن تلاش می‌شود.

وی پس از مقدماتی که با توصیف صحنه و فضا سازی‌های لازم همراه است و در بخش‌های آتی از آن سخن خواهیم راند، به معرفی کودک قصه (قهرمان) می‌پردازد و از آرزوها و رؤیاهایی که برای جهان عرب در سر دارد سخن می‌گوید:

کوچک بود/ کوچک بود/ به‌سرعت با رؤیاها به پرواز درمی‌آمد/ از این کودک عرب/ که با انقلاب و افتخارات/ رؤیای جهان عرب را در سر داشت/ و از این کودک نشسته/ در سایه سقف آجری/ و از زمان کودکی تاکنون سرود می‌خواند/ در شرم با شما سخن خواهم گفت (همان، ۳۸).

عیسی قهرمان قصه را برای دوستان کوچکش، کودکی معرفی می‌کند که به دنبال کسب افتخار و بزرگی برای سرزمینش و البته جهان عرب است و رؤیای انقلاب جهان عرب علیه ظلم و ستم را در سر می‌پروراند. باین‌حال او کودکی است با احساسات کودکان و همواره احساسات شاعرانه‌اش را به همراه دارد و در سایه خانه آجری‌شان سرود می‌خواند.

سروده‌های عیسی در این مجموعه، از سویی با درون‌مایه‌های حماسی و مقاومتی نیاز کودکان عرب را به محرکی برای حرکت رو به جلو در عصر حاضر برطرف کرده و از سوی دیگر در لابه‌لای این مضامین حماسی، موضوعات آموزشی، اخلاقی و تربیتی را

^۱. Theme

گنجانده است.

اما درون‌مایهٔ سروده‌های مهدی مرادی در مجموعهٔ *ساعت بدون تیک‌تاک* با درون‌مایهٔ مورد نظر سلیمان عیسی قدری متفاوت است. زیرا هدفی که وی در پی آن مجموعه‌اش را به رشتهٔ تحریر درآورده، چیزی متفاوت از هدف عیسی است. مرادی در مجموعه‌اش بیش از هر چیز در پی درس‌های اخلاقی و گوشزد کردن نکات تربیتی است. او همواره در تلاش است تا سؤالی در ذهن کودک و نوجوانی که مخاطب شعر اوست ایجاد کند. وی در شعر «انار و لبخند» می‌نویسد:

ساعت $\square$ بدون تیک‌تاک/ یک لحظه از کار ایستاد/ چاقو انار بسته را/ با مهربانی چاک داد/ مانند آتش سرخ بود/ مانند آتش بیقرار/ در قاب سرد لحظه‌ها/ لبخند خونین انار/. (مرادی، ۱۳۹۰، ش: ۶).

مرادی مخاطبش را که در حال گذر از کودکی و آشنایی با مفاهیم جدید در دنیای نوجوانی است، با نمادهای گوناگون آشنا می‌کند. او را به فکر وامی‌دارد تا با خود بیندیشد چه رابطه‌ای می‌تواند میان چاقو، انار و مهربانی وجود داشته باشد؟! لبخند خونین نماد چیست؟ و بسیاری از این دست مفاهیم که در مجموعهٔ مورد بررسی ساخته و پرداخته شده است.

۶. شخصیت^۱ و شخصیت‌پردازی

شخصیت یکی از مهم‌ترین عناصر روایت به شمار می‌آید. اساساً شخصیت‌ها در روند داستان، بخش جدانشدنی و همیشگی آن هستند که گاه از سوی راوی معرفی می‌شوند و گاه در جریان داستان به نوبت شناخته می‌شوند و مخاطب بسته به نوع شخصیت‌ها و برداشت شخصی خود، با آنها ارتباط برقرار می‌کند. گوستاو فلوبر رمان‌نویس قرن نوزدهم فرانسه، با نادیده انگاشتن راوی، معتقد است، اصل بر وجود شخصیت‌ها است و این شخصیت‌ها هستند که منظرهای متفاوتی از رخدادها به دست می‌دهند (ایرانی و همکاران، ۱۳۹۲، ش: ۲ به نقل از مکاریک، ۱۳۸۵، ش: ۱۵۰). به‌طور کلی شخصیت‌ها افراد و اشخاص موجود در داستان هستند که با اعمال و رفتارهایشان، در کنار سایر عناصر، داستان را به جریان می‌اندازند.

چنان‌که گفته شد پراپ در بررسی قصه‌های پریان هفت شخصیت و ۳۱ کارکرد یا خویشکاری را متذکر می‌شود که البته همهٔ آنها را در هر داستانی مشاهده نمی‌کنیم؛ بلکه در برخی داستان‌ها ممکن است با دایرهٔ محدودتری از شخصیت‌ها و خویشکاری‌ها مواجه باشیم.

در اشعار سلیمان عیسی، با توجه به مخاطب وی که گروه کودک را در بر می‌گیرد، شخصیت‌ها اغلب به گونه‌ای ساخته و پرداخته شده‌اند که برای مخاطب زودیاب باشد. به عبارتی عیسی خلق شخصیت‌های جدیدی که کودک آن‌ها را تاکنون در اطراف خود ندیده است، فدای هدف اصلی نمی‌کند. او همواره در تلاش است شخصیت‌هایی را معرفی کند که با الگو گرفتن از آن‌ها، کودک بتواند آیندهٔ خود و میهنش را بسازد. به همین دلیل شخصیت‌های منفی را که پراپ در روایت‌شناسی‌اش به بررسی آن‌ها می‌پردازد، در شعر او به‌ندرت مشاهده می‌کنیم. در جدول زیر، بر اساس الگوی مورد نظر پراپ، شخصیت‌ها و خویشکاری‌های

^۱. character

موجود در یکی از مهم‌ترین قصاید سلیمان عیسی، در مجموعه مورد بررسی، دسته‌بندی شده‌اند:

جدول شماره ۱

نام شعر	شخصیت‌ها	خویشکاری‌ها	نوع شخصیت
کودک (کودکی)	کودک (کودکی)	درخواست (تلاش برای یادگیری علوم	قهرمان
شاعر)	شاعر)	گوناگون و حفظ اشعار)	
رودخانه عاصی	رودخانه عاصی	حرکت (انتقال از سرزمینی به سرزمین	یاری‌گر
دیگر)	دیگر)		
پدر (شیخ احمد)	پدر (شیخ احمد)	کار دشوار (آموختن علوم گوناگون به	قهرمان
روستاییان)/انجام کار دشوار	روستاییان)/انجام کار دشوار		
پیشگامان (رواد)	پیشگامان (رواد)	انجام کار دشوار	یاری‌گر
مادر	مادر	مشوق (تشویق فرزندان به کار و یادگیری	قهرمان
		و در نهایت، پیروزی)	
کودکان روستا	کودکان روستا	هم‌بازی شدن با قهرمان (کودک) و تلاش	یاری‌گر
		در جهت یادگیری	
تاریکی	تاریکی	دشمنی با نور و روشنی	شرور
برادر	برادر	همکاری با قهرمان (کودک) در ساخت	یاری‌گر
		چادر تابستانی بر درخت توت	
دوستان شب‌بیدار	دوستان شب‌بیدار	همکاری و هم‌نشینی با قهرمان در شنیدن	یاری‌گر
		قصه‌های شبانه (سمار)	
غربت	غربت	به وجود آورنده اندوه در دل قهرمان	شرور
سلمی	سلمی	شخصیت اثرگذار در شادی قهرمان	یاری‌گر
		(کودک) و روی آوردن وی به شعر	
شکارچی کوچک	شکارچی کوچک	حرکت قهرمان قصه، سپس غیبت و دور	قهرمان
		شدن	
گنجشک	گنجشک	نشستن بر درخت و شکار شدن	شخص مورد جست‌وجو
			یاری‌گر
پسرعمو و پسرایی	پسرعمو و پسرایی	شرکت در امر شکار گنجشک	شرور
دزد و دشمن	دزد و دشمن	استعمار و دزدیدن آسمان و زمین ملتها	
		با همراهی قهرمان (کودک) به چرا رفتن	یاری‌گر
گاو قهوه‌ای	گاو قهوه‌ای	ساختن و آباد کردن همه چیز	قهرمان
فقرا	فقرا		

همانگونه که مشاهده می‌شود، در قصیده مورد بررسی، تعداد شخصیت‌ها ۱۷ مورد است که از هفت نوع شخصیت مورد نظر

پراپ، بر چهار نوع آن منطبق است و این شخصیت‌ها جمعاً بیش از ۲۰ کارکرد دارند.

اما مهدی مرادی در اشعارش، از آنچه عیسی بدان می‌پردازد، فراتر رفته و شخصیت‌های پیشرفته‌تر و به عبارتی جدیدتر خلق کرده است. البته لازم به ذکر است که مخاطب شعر وی تنها کودکان نیستند؛ بلکه چنان که پیش‌تر اشاره شد، مخاطب او، طبق طبقه‌بندی‌هایی که در سال‌های اخیر صورت گرفته، گروه سنی ج است که به طور دقیق کودکی است که در انتهای دوران کودکی قرار گرفته و در آستانه ورود به دوران نوجوانی است. به همین دلیل نیازمند یادگیری مفاهیمی تازه و فراتر از مفاهیم دوران کودکی و آمادگی برای درک مفاهیم انتزاعی است. از همین رو، مرادی در شعرش به خلق شخصیت‌هایی می‌پردازد که علاوه بر اینکه حامل یک پیام خاص است، جذاب و تازه نیز باشد تا مخاطب به بهترین نحو با آن ارتباط برقرار کند. در جدول

زیر تعدادی از این شخصیت‌ها دسته‌بندی شده‌اند:

جدول شماره ۲

نام شعر	شخصیت‌ها	خویشکاری‌ها	نوع شخصیت
انار و لبخند	انار چاقو	کشته شدن به وسیله چاقو تلاش برای از بین بردن انار (درگیری) و سپس موفقیت	قربانی شرور
خدای باران‌ها	خداوند زمین	فرستادن باران برای مخلوقات خشک و بی‌ثمر بودن و سپس سرسبز شدن به وسیله باران	قهرمان نیازمند
خوش به حال آسمان	آسمان ستاره و پرنده	ندادن اجازه به خانه‌های پایتخت (آزادگی) نیامدن به تراس خانه‌های پایتخت به دلیل وجود دود و غبار	قهرمان اشخاص مورد جست‌وجو
تند نرو ای شهاب	شهاب	آمدن از دوردست و آوردن شادی	قهرمان
قله خوشبخت	قله قله دیگر آسمان و خورشید و شهاب و ایرها و...	یاری گرفتن از سایر موجودات و اشیا برای خروج از تنهایی زدودن غم تنهایی از قله (اول) یاری دادن به قله برای شاد کردن او و خروجش از غم تنهایی	یاری گیرنده شخص مورد جست‌وجو یاری‌گر
جشن آشتی	خانم یگانه بچه‌های سوم الف	آشتی دادن بچه‌ها کف زدن و همراهی با جشن آشتی کنان	قهرمان یاری‌گر
جاده	جاده رهگذر	خسته شدن از تنهایی و گشتن به دنبال همراه و همسفر به تنهایی سفر کردن	درمانده شخص مورد جست‌وجو

در مجموعه مرادی نیز ۱۵ شخصیت وجود دارد که بر پنج نوع از شخصیت‌های مورد نظر پراپ، منطبق‌اند. این شخصیت‌ها قریب ۲۰ خویشکاری دارند که در جدول بالا، در جملاتی کوتاه به آن‌ها اشاره شده است. دسته‌بندی شخصیت‌ها و خویشکاری‌ها در جدول‌های شماره ۱ و ۲، نشان می‌دهد خویشکاری‌های موجود در اشعار دو شاعر، از نظر نوع خویشکاری، از محدوده ۳۱ کارکرد مورد نظر پراپ فراتر رفته و دو شاعر با توجه به موضوع و درون‌مایه مورد

نظر خود، کارکردهای متفاوتی برای شخصیت‌های آثارشان در نظر گرفته‌اند.

۷. راوی^۱ و زاویه دید^۲

در انواع روایت‌های موجود در ادبیات، راوی از عناصر جدانشدنی به شمار می‌آید. در اصطلاح ادبیات «به کسی (و گاه چیزی) که داستان را روایت می‌کند راوی می‌گویند. به سخن دیگر، راوی شخصیتی است که نویسنده، حوادث داستان را از زبان او نقل می‌کند» (داد، ۱۳۹۲: ش: ۲۲۹). هرگاه پس از خواندن یک داستان از خود پرسیم «راوی این داستان چه کسی است؟»، با پاسخ به این سؤال، زاویه دید را مشخص کرده‌ایم. چراکه زاویه دید با راوی رابطه مستقیم دارد. زاویه دید در حقیقت در حکم دریچه‌ای است که نویسنده به روی مخاطب می‌گشاید تا از طریق آن حوادث موجود در داستان را نظاره‌گر باشد. (همان، ۱۳۹۲: ش: ۲۵۹). راوی اغلب بر دو گونه است. راوی اول شخص (راوی درون داستانی) که در حقیقت روایت‌گری است که خود، در جریان داستان قرار دارد و یکی از شخصیت‌های آن است؛ و راوی سوم شخص (راوی برون داستانی) یا دانای کل که از بیرون به داستان می‌نگرد و نسبت به وقایع داستان آگاهی کامل دارد.

سلیمان عیسی در مجموعه‌اش *روستای من نعیریه*، از راوی اول شخص استفاده می‌کند و غالباً داستان از زبان خود او حکایت می‌شود. تنها در یکی از اشعار این مجموعه رگه‌هایی از وجود دانای کل به چشم می‌خورد که در حقیقت به کمک راوی اول شخص آمده است:

شاعر با صدایی آرام و دلپذیر می‌خواند... کودکان برخی قسمت‌ها را با او تکرار می‌کنند... (سوم شخص) / در محله کوچک / در خانه آجری ما / پدرم زندگی می‌کرد و با روزگار می‌جنگید بچه‌ها / مهربان و ملایم بود / چون نسیم تابستان / چون شعر... (اول شخص) (العیسی، ۲۰۱۲: م: ۴۰).

در این بخش شاعر ابتدا با راوی سوم شخص آغاز می‌کند، سپس در ادامه، راوی اول شخص به میدان می‌آید و ادامه ماجرا از زبان او نقل می‌شود که درواقع قهرمان داستان است و به توصیف مکان و ویژگی‌های شخصیت مورد نظر می‌پردازد. بدین ترتیب زاویه دید راوی، عینی و جسمانی است، از این رو آنچه از ظاهر شخصیت‌ها در ارتباط با زمان و مکان قصه می‌بیند روایت می‌کند. هر نویسنده با توجه به هدفی که در اثر خود دنبال می‌کند، راوی مورد نظرش را برمی‌گزیند. علاوه بر راوی اول و سوم شخص که در اغلب آثار به کار گرفته می‌شوند، راوی دوم شخص نیز تا حدودی کاربرد دارد. «راوی گاه می‌تواند صدایی از درون قهرمان داستان باشد که با او حرف می‌زند و داستان را روایت می‌کند» (رضایی، ۱۳۹۱: ش: ۷۲). مرادی در سرودن اشعارش ۱۱ بار از راوی اول شخص، ۲ بار دوم شخص و ۳ بار از راوی سوم شخص استفاده کرده است:

برگ و بار می‌گیرم / از سخاوتش حالا / من زمین سرسبز / او خدای باران‌ها (اول شخص) (مرادی، ۱۳۹۱: ش: ۱۱).
در جای دیگر می‌سراید:

برو تا تماشای صبح / و اینجا نمان گوشه گیر / از احوال باران پیرس / سراغ افق را بگیر (دوم شخص) (همان، ۲۱).
و در سرود «انار و لبخند» این گونه می‌نویسد:

چرخید در چشم انار / تصویری از چاقوی تیز / در انتظاری سرخ بود / بشقاب خالی روی میز (سوم شخص) (همان، ۶).

مرادی دو زاویه دید عینی و ذهنی را به هم آمیخته است. وی علاوه بر تصویر فضای ظاهری قصه، به آنچه در ذهن شخصیت‌ها، نظیر انتظاری که بشقاب خالی روی میز می‌کشد، نیز می‌پردازد.

چنان‌که مشاهده شد، دو شاعر، راوی اول شخص را بیش از دو گونه دیگر به کار گرفته‌اند. زیرا این نوع راوی، صرف‌نظر از محدودیت‌هایی که دارد، نظیر عدم اطلاع از تمامی وقایع و افکار شخصیت‌های موجود در روایت، برای همراه کردن کودک با

^۱. Narrator

^۲. Point of view

جریان داستان مناسب‌تر به نظر می‌رسد و باعث می‌شود پذیرش حوادث موجود در داستان برای وی ساده‌تر باشد.

۸. صحنه‌پردازی

یکی دیگر از عناصر مهم روایت، صحنه است. اینکه روایت در چه موقعیت مکانی یا زمانی در حال رخ دادن است، از اهمیت فراوانی برخوردار است. صحنه در هر روایت نسبت به روایت دیگر متفاوت بوده و نویسنده با توجه به فضایی که موضوع روایت مورد نظرش می‌طلبد، آن را انتخاب می‌کند. در روایت‌شناسی پراپ، صحنه آغازین به‌عنوان اولین کارکرد یا خویشتکاری مطرح می‌شود. باین‌حال، خود پراپ معتقد است صحنه آغازین جزء خویشتکاری‌های اصلی نیست اما از عناصر مهم در ریخت‌شناسی به شمار می‌آید.

روایت‌های شعری سلیمان عیسی در سوریه، در روستایش نعیریه و در دوران کودکی شاعر اتفاق می‌افتد. وی در اشعارش غالباً پیش از آغاز کلام، مکان وقوع ماجراها را مشخص می‌کند. «خانه ما کنار رود عاصی»، «چادر تابستانه‌ام در دل درخت توت»، «جولانگاه کودکی‌مان در روستا» و «کودکی‌ام بر کرانه رودخانه» از جمله عناوینی هستند که شاعر با استفاده از آن‌ها مکان وقوع رویدادهایی که از آن‌ها سخن خواهد گفت را مشخص می‌کند. وی در قصیده «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها» علاوه بر سخن گفتن از شخصیت‌ها و اعمال آن‌ها، به صحنه‌پردازی پرداخته و صحنه وقوع حوادث را برای مخاطب توصیف می‌کند:

خانه‌ام نزدیک سرچشمه رود عاصی است / همسایه‌اش گام‌های عاصی است / صبح و عصر صدای گام‌های عاصی را می‌شنود / و بدون زحمت می‌شناسدشان / (عاصی) بهترین‌ها را به من یاد داده... / خانه‌ام سقفی از آجر است / سرخ‌رنگ همچون بال عید / خانه‌ای از جنس سنگ‌های گلی / که آن را پس از سختی بسیار ساختیم... / میان خانه و عاصی / کودکی بود بچه‌ها (العیسی، ۲۰۱۲، م: ۳۵ تا ۳۶).

صحنه‌ای که عیسی به تصویر می‌کشد، خانه‌ای است با آجرهای گلی قرمز، رودخانه‌ای خروشان و کودکی که در آن حوالی مشغول بازی است. صحنه‌ای که هرچند شاعر آن را با کلمات و جملات ساده و کوتاه توصیف کرده است، اما توانسته مصالح مورد نیاز برای درک صحنه مورد نظر در اختیار مخاطب کوچکش قرار دهد.

اما روایت‌های شعری مرادی برخلاف عیسی، در زمان حال اتفاق می‌افتد و مکان‌های متفاوتی را در برمی‌گیرد. تراس آپارتمان، آسمان، قلعه کوه، جایی روی یک میز و... همگی مکان‌هایی هستند که مرادی به کمک آن‌ها به ساختن و پرداختن روایت‌های شعری‌اش می‌پردازد. هرچند برخی از صحنه‌هایی که مرادی در اشعارش به وجود آورده برای مخاطبی که در دوران شادی و نشاط قرار دارد، قدری غمناک به نظر می‌رسد، اما توانسته است با استفاده از تکنیک‌های داستان‌نویسی، در مدت زمان کوتاهی صحنه‌هایی بیافریند که در عین غمگین بودن، برای مخاطب، جذاب و در دسترس بوده و در نتیجه بتواند با آن ارتباط برقرار کند. چنان‌که در شعر «انار و لبخند»، صحنه جدال چاقو و اناری تصویر می‌شود که بر میزی اتفاق می‌افتد و بشقابی خالی انتظار ریخته شدن خون انار را می‌کشد، درحالی‌که از شدت اندوه، زمان ایستاده است! یا در شعر «خوش به حال آسمان» صحنه تراس تنگ و کوچک آپارتمانی در پایتخت تصویر می‌شود که غبار بر آن نشسته و بدون باغچه و درخت، تنها یک بند رخت در آن به

چشم می خورد:

نه توی این تراس زشت	غبارهای پایتخت	از این طرف به آن طرف
ستاره دیده می شود	نشسته روی خانه ها	کشیده اند بند رخت
نه چه چه پرنده ای	نمی شود نگاه کرد	نه سبزه ای نه سنبلی
در آن شنیده می شود	به دوردست ها چرا؟	نه باغچه نه یک درخت

(مرادی، ۱۳۹۱، ش، ۱۴)

چنان که مشاهده می شود، صحنه وقوع روایت، تراس یک آپارتمان است که راوی از آن جا نظاره گر آسمان و بقیه نقاط پایتخت می شود و از همانجا به توصیف محیط اطراف خود می پردازد. بر این اساس صحنه و صحنه پردازی، در شعر دو شاعر، از اهمیت فراوانی برخوردار است و هر یک با توجه به هدفی که در پی آن هستند، صحنه را برای روایت مورد نظر خود آماده می کنند. موضوعی که از مؤثرترین عوامل در پذیرش روایت از سوی مخاطب و همراهی با آن به شمار می آید.

۹. گفت و گو^۱

گفت و گو به معنای صحبت کردن و ردوبدل کردن افکار، همواره در آثار منظوم و منثور وجود داشته است. گفت و گو گاه میان شخصیت های اثر و گاه در ذهن یک شخصیت، اتفاق می افتد. «گفت و گو در داستان، یکی از عناصر مهم و یا به عبارتی همسنگ ارزش توصیف است، زیرا سبب می شود، پیرنگ گسترش یابد، درون مایه ظاهر شود، شخصیت ها معرفی شوند و عمل داستان پیش برود» (داد، ۱۳۹۲، ش: ۲۰۶). این عنصر نیرومند و بنیادین ادبیات داستانی که همسو و هم جهت با ساختار روایی داستان عمل می کند، ویژگی هایی دارد که از میان آن ها می توان به طبیعی بودن یا به عبارتی عدم پیچیدگی و محسوس و عینی بودن اشاره کرد. گفت و گو انواع و اقسامی دارد که عبارتند از: ۱. دیالوگ یا گفت و گوی دو یا چند نفره ۲. مونولوگ یا خودگویی و تک گویی درونی ۳. گفت و گو در گفت و گو (دودانگه و گرجی، ۱۳۹۰، ش: ۲۴).

عیسی در مجموعه شعری اش، گاه با اشخاص داستان و گاه با خودش به گفت و گو می پردازد. گفت و گوهای موجود در اشعار وی اغلب رنگ و بوی نمایشنامه ای دارند. در قصیده «کودکی ام را برایتان تعریف می کنم بچه ها» پیش از آغاز سرود، با دوستانش، ایاد، فراس، دیمه و بقیه کودکان به گفت و گو می نشیند:

- ایاد کوچولو: قول دادی برایمان آواز بخوانی، کودکی ات را با سرود برایمان تعریف کنی - شاعر: من سر قولم هستم ایاد که با هم آواز بخوانیم... من و تو دیمه و صفوان و دوستان که دوست دارند با ما آواز بخوانند - فراس: چرا اسم مرا فراموش کردی؟ من هم شعر دوست دارم و دلم می خواهد با شما آواز بخوانم - شاعر: اسم تو را فراموش نکردم فراس... (العیسی، ۲۰۱۲، م: ۳۳). گفت و گوی بالا از نوع دیالوگ یا گفت و گوی چند نفره است که مخاطب با خواندن آن، در جریان آنچه در داستان روی خواهد داد، قرار می گیرد. این نوع گفت و گو که معمولاً پیش از شروع داستان و میان راوی اول شخص و سایر شخصیت ها صورت می گیرد، در بیشتر اشعار عیسی دیده می شود.

گاه شاعر برای لحظاتی در اعماق خاطرات کودکی اش غرق می شود و از درون، با خود به گفت و گو می نشیند:

- عشقی زود هنگام / سخنم درباره آن به درازا می انجامد / تاب هنوز آرام نگرفته است / ای نغمه های من... شما چرا آرام بگیری؟ / دهانم آکنده از ترانه سلمی است / و دستانش دو گل نرگس اند / آویخته به دستان من / ای آرزوی گلگون کودکی / دنیا را در

^۱. Dialogue

چشمانم بریز / شعر را و ترانه را / تا سلمی راضی شود و افتخار کنم / که من چیزی به او ارزانی داشته‌ام (همان، ۶۶).
این گفت‌وگو هرچند رنگ و بوی دیالوگ نیز دارد، اما از نوع مونولوگ یا تک‌گویی به شمار می‌آید و به‌ندرت در شعر عیسی به چشم می‌خورد. چنان‌که پیش‌تر نیز بر آن تأکید شد، مخاطبان عیسی در این مجموعه، کودکان هستند؛ او برای بیان مقصود و هدفش نیازمند گفت‌وگوی مستقیم با شخصیت‌هایی است که یا از جنس کودکان بوده و یا برای آن‌ها قابل لمس باشد. به همین سبب بیشتر گفت‌وگوها به‌صورت دیالوگ آمده‌اند.
مرادی نیز همچون عیسی از گفت‌وگو در جریان حکایت‌های شعری‌اش بهره می‌گیرد. در شعر او نیز، گفت‌وگو گاه میان شخصیت‌ها و گاه در درون شخصیت اصلی اتفاق می‌افتد:

دیالوگ: می‌رسی از دور دست / می‌گذری پرشتاب / می‌شنوی؟ صبر کن / تند نرو ای شهاب (مرادی، ۱۳۹۱ ش: ۱۶).

مونولوگ: دلم گرفته است، سخت / چرا / به گوش هیچ‌کس نمی‌رسد / صدای فکرهای یک درخت (همان، ۲۷).
گفت‌وگوهای موجود در اشعار عیسی اغلب میان راوی (که همان قهرمان داستان است) و سایر شخصیت‌ها اتفاق می‌افتد؛ درحالی‌که گفت‌وگوهای اشعار مرادی، هم به‌صورت دیالوگ و هم به‌صورت مونولوگ دیده می‌شود. گاه در درون شخصیت اصلی و گاه این ارتباط کلامی میان بقیه شخصیت‌ها برقرار می‌شود. بدین ترتیب، عنصر گفت‌وگو در شعر عیسی دایره محدودتری نسبت به گفت‌وگوهای شعر مرادی دارد.

۱۰. نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که دو اثر *روستای من* و *نعیریه* و *ساعت بدون تیک‌تاک* از جمله آثار مهم در زمینه ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌آیند که از لحاظ ویژگی‌های روایی بیانگر مهارت نویسندگان این دو اثر در سرودن شعر روایی کودک می‌باشند. دو شاعر به‌خوبی با میزان درک و دریافت مخاطب آشنایی دارند و تفاوت‌های روایت بزرگسال با روایت کودکان را به‌خوبی تشخیص داده‌اند. درون‌مایه‌های مورد نظر نویسندگان مفاهیمی نظیر آزادی و آزادی، مقاومت، پایداری و موضوعات آموزشی، اخلاقی و تربیتی است که در شعر هر کدام با دیدی متفاوت، بسته به نیاز کودک در جامعه مورد نظر، به کار رفته است.

اما از لحاظ به‌کارگیری شگردهای روایت، با توجه به الگوی ریخت‌شناسی پراپ، در این دو اثر، می‌توان گفت عملکرد نویسندگان، اگرچه با کیفیتی متفاوت، اما تا حد وسیعی موفقیت‌آمیز بوده است. آن‌ها با انتخاب درون‌مایه مناسب، پردازش شخصیت‌های مناسب و تأثیرگذار بر ذهن کودک، طرح خویشتن‌کاری‌های مناسب برای هر کدام از شخصیت‌ها، پردازش صحنه‌های زیبا و جذاب برای کودک و به‌طور کلی ایجاد ساختاری ساده و نظام‌مند با استفاده از مجموعه تکنیک‌های روایت، توانسته‌اند این تکنیک‌ها را به خدمت شعر درآورده و از فرورفتن در پیچیدگی‌های معمول در امان بمانند و به عبارتی، بیش از آنکه شعر را در اختیار روایت قرار دهند، روایت را در اختیار شعر قرار داده‌اند.

۱۱. پی‌نوشت

* شکست ۱۹۶۷ م (نکسۀ حزیران): جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ م نبردی بود که از ۵ ژوئن تا ۱۰ ژوئن ۱۹۶۷ م میان اسرائیل و کشورهای عربی مصر، سوریه و اردن رخ داد و با پیروزی اسرائیل به پایان رسید. این نبرد نقطه اوج بحرانی بود که از تاریخ ۱۵ مه تا ۱۲ ژوئن ۱۹۶۷ م به درازا انجامید و در آن اسرائیل با شکست ارتش چند کشور عربی قسمتی از خاک آنها را تصرف کرد.

* جدول شماره ۱: انواع شخصیت‌های موجود در این قصیده به تفکیک و بر اساس ده قسمت جداگانه آن نوشته شده‌اند.

۱۲. فهرست منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن*. جلد اول. چاپ اول. کرج: مرکز.
- ایرانی، محمد و همکاران. (۱۳۹۲). «شیوه شخصیت‌پردازی دووجهی در پیکر فرهاد عباس معروفی». *مجله ادبیات پارسی معاصر*. سال سوم. شماره ۴. صص ۱-۱۸.
- بهمنی، مهرزاد. (۱۳۹۰). *تحلیل روایت و کاربرد آن در رسانه*. چاپ اول. تهران: مرکز تحقیقات.
- پراپ، ولودیمیر. (۱۳۶۸). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. چاپ اول. تهران: توس.
- _____ (۱۹۹۶). *مورفولوجیا القصه*. ترجمه عبدالکریم حسن و سمیره بن عمو. چاپ اول. دمشق: دار شرع.
- داد، سیما. (۱۳۹۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چاپ ششم. تهران: مروارید.
- دودانگه، محرم‌علی و گرجی، مصطفی. (۱۳۹۰). «گفت‌وگو در خمسه نظامی با تأکید بر مثنوی‌های خسرو و شیرین و لیلی و مجنون». *مجله کتاب ماه ادبیات*. سال پنجم. شماره ۵۳. صص ۲۱-۳۵.
- رضایی، لیلا. (۱۳۹۱). «بررسی نقش و کارکرد راوی اول‌شخص در شعر روایی کودک (گروه سنی الف)». *مجله مطالعات ادبیات کودک شیراز*. سال سوم. شماره ۷۲-۸۶.
- طاهری، حمید و غفوریان، مریم. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی عناصر داستان حجاب منفلوطی و رجل سیاسی جمال‌زاده». *فصلنامه لسان مبین*. سال ششم. شماره ۲۰. صص ۱۱۶-۱۳۷.
- عبدی، صلاح‌الدین و همکاران. (۱۳۹۳). «روایت‌شناسی رمان عمارت یعقوبیان اثر علاء الأسوانی بر اساس نظریه روایتی ژرار ژنت». *فصلنامه لسان مبین*. سال ششم. شماره ۱۷. صص ۹۱-۱۰۸.
- العیسی، سلیمان. (۲۰۱۲). *النعریه قریتی*. چاپ اول. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- العیسی، سلیمان و أبیض، ملکه. (۲۰۱۳). *رحله کفاح*. چاپ اول. دمشق: دار الحافظ.
- مرادی، مهدی. (۱۳۹۱). *ساعت بدون تیک‌تاک*. چاپ دوم. تهران: کتاب‌های شکوفه وابسته به نشر امیرکبیر.
- مانفرید، یان. (۲۰۱۱). *علم السرد (مدخل إلى نظریة السرد)*. ترجمه آمنی أبورحمه. چاپ اول. سوریه: نینوی.
- خبرگزاری مهر. (۱۳۹۲). *بخش فرهنگی*. ۹۵/۵/۲۰.

<http://www.mehrnews.com/news/۲۱۱۳۲۹۶/>